



فارابی پیشگام اسلامی سازی فلسفه/ لزوم بررسی علت اسلامی نشدن علوم انسانی

یکی از پژوهشگران فلسفه علم با بیان اینکه در بحث علم دینی باید از کلیات گذر کنیم، چرا که دیگر ادبیات خود را پیدا کرده است...

یک پژوهشگر فلسفه طرح کرد؛

فارابی پیشگام اسلامی سازی فلسفه/ لزوم بررسی علت اسلامی نشدن علوم انسانی

یکی از پژوهشگران فلسفه علم با بیان اینکه در بحث علم دینی باید از کلیات گذر کنیم، چرا که دیگر ادبیات خود را پیدا کرده است، تأکید کرد: ما باید در پی پاسخ به این سؤال باشیم که چرا هنوز پس از 30 سال و پس از تعطیلی دانشگاه ها و تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و طرح این بحث که علوم انسانی در دانشگاه ها اسلامی نیستند، هنوز مدعی هستیم که علوم انسانی در کشور ما اسلامی نیست و مسائل ما را نمی تواند حل کند و باید یک آسیب شناسی در این زمینه صورت گیرد. سید محمدتقی موحد ابطحی از پژوهشگران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در گفتگو با خبرنگار مهر، در تعریف علم دینی گفت: علم دینی علمی است که در فرایند به دست آمدن آن ارزشها و بینشهای دینی ما به اشکال مختلف دخالت داشته باشد.

وی افزود: این تعریف از علم دینی طیف وسیعی از نظریاتی که در این چند ساله درباره علم دینی مطرح شده است را در برگیرد. برای مثال برخی معتقدند که دین فقط می تواند در عرصه مسئله گزینی در فرایند علم ورزی دخالت کند و معتقدند دین می تواند پیش فرضهای مناسبی را برای علم ورزی ارائه کند و برخی فراتر رفته و اعلام می کنند که در عرصه باوری هم دین می تواند در فرایند علم ورزی دخالت کند. به همین دلیل می توانیم علم دینی را یک مقوله ذومراتب بدانیم به این معنا که علمی که در فرایند تولید و تکمیل آن، دین در عرصه های بیشتری دخالت کرده باشد به نسبت علمی که دین کمتر در آن دخالت دارد، دینی تر است. بر اساس این تعریف، علمی که در فرایند تکمیل اش به هیچ نحوی متأثر از ارزشها و بینشهای دینی نباشد آن را غیردینی تعریف می کنند.

وی در مورد نسبت این تعریف از علم، با تعبیر آیات و روایات اسلامی از علم گفت: در هر دو، یک نوع آگاهی است اما آن علمی که امروزه مورد بحث است با آنچه که در آیات و روایات از آنها یاد شده، تفاوت بسیار زیادی دارد. در علمی که در آیات و روایات مورد اشاره است، علم به یک چیزی، آیه و نشانه ای برای رهنمون شدن به هدف و مقصدی است اما در علم جدید نگاه آیه ای داشتن به موضوعات مورد مطالعه در علوم را از دست داده ایم و به آنها به مانند شیء می نگریم.

ابطحی در مورد تاریخچه طرح علم دینی در جهان اسلام گفت: در تلقی عمومی که از علم می توانیم داشته باشیم، علم به لحاظ روشی به علوم عقلی، پژوهی، نقلی و شهودی تقسیم می شود و به لحاظ موضوعی علم به طبیعی، انسانی، اجتماعی، زیستی و... تقسیم می شود که به ازای هر کدام از این علوم ما می توانیم تاریخچه آن و ریشه علم دینی آن علم را مطرح کنیم. به طور مثال اگر فلسفه را یک علم بدانیم که موضوع آن هستی، و روش آن عقلی است، تاریخ علم دینی آن به دوره فارابی برمی گردد (نیمه های قرن سوم) چون فارابی اولین کسی بود که به صورت نظام مند سعی کرد فلسفه ورزی خود را در چارچوب جهان بینی اسلامی انجام دهد.

وی تأکید کرد: به همین دلیل وقتی نوع مسائلی را که فارابی بدان می پرداخت با مسائلی که ارسطو به آن توجه داشت، مقایسه کنید قابل توجه این است که ارسطو را معلم اول و فارابی را معلم ثانی می خوانند- ملاحظه می کنیم فارابی از جهان بینی اسلامی متأثر بوده است و این سیر فلسفه ورزی در جهان اسلام با ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا و ... ادامه پیدا می کند و گام به گام- طبق تعریفی که از علم دینی شد- فلسفه ما رشته ای دینی و دینی تر می شود تا به ملاصدرا می رسد که نقطه اوج فلسفه اسلامی است.

این پژوهشگر فلسفه علم افزود: به لحاظ اصطلاحی هیچکدام از فلاسفه اسلامی بحث علم دینی و یا فلسفه اسلامی را مطرح نکردند یعنی انگیزه آنها این نبوده که فلسفه اسلامی تولید کنند، بلکه آنها در چارچوب جهان بینی اسلامی فلسفه ورزی می کردند که محصول آن «؛فلسفه اسلامی» شده است؛ منتهی اصطلاح علم دینی، علم اسلامی، اسلامی سازی و... اصطلاحاتی است که توسط «؛اسماعیل فاروقی» اندیشمند فلسطینی مطرح شد و با تأسیس مؤسسه ای در آمریکا بحث علم دینی را دنبال کرد و بعد از شهادت ایشان متفکران همفکر او این مسیر را ادامه دادند و در مالزی هم نقیب العطاس مؤسسه بین المللی «؛تمدن و اندیشه اسلامی» را تأسیس کرد و بعد از انقلاب اسلامی در ایران نیز این مسئله تاکنون دنبال شده است.

ابطحی در پایان یادآور شد: ما در بحث علم دینی از کلیات باید گذر کنیم و سالها این مباحث تاریخی و مفهومی مطرح شده و الان ادبیات خود را پیدا کرده است و بهتر است گامهای بعدی را برداریم و به مسائل خاصی که در حوزه علم دینی مطرح است بپردازیم و یا دیدگاه های مختلف را در این حوزه مورد بررسی قرار دهیم و به این سؤال پاسخ دهیم که چرا هنوز پس از 30 سال و پس از تعطیلی دانشگاه ها و تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و طرح این بحث که علوم انسانی در دانشگاه ها اسلامی نیستند و لیبرالی هستند و مبانی شان با مبانی دینی ما در تعارض است و اینهمه مراکز آموزشی و پژوهشی و برنامه ریزی تأسیس شده، اما کماکان مدعی

هستیم که علوم انسانی در کشور ما اسلامی نیست و بومی نیست و سکولار است و مسائل ما را نمی تواند حل کند و باید یک آسیب شناسی در این زمینه صورت گیرد.